

■ در سال‌های گذشته و در اوج آن در اتفاقات انتخابات مجلس اخیر، رویکردهای ایدئولوژیک شعاری و غیرواقع‌بینانه آن هم با الگوی تخریب و با شعار عدالت بشدت بدنه رای ایدئولوژیک نظام را تراشید. یعنی ما به تمام مفاهیم عقلانی مثل مصلحت، وحدت و... لگد زدیم و همه را ذبح مفهومی به نام عدالت کردیم که مشخص نبود مراد از عدالت چیست

و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که هیچ‌کس در این کشور نمی‌تواند عدالت را برپا کند.

■ **تخلی‌لی کلی** شما از وضعیت انتخابات چیست؟ چه تحلیلی از سبب رای جریان‌های سیاسی می‌توان ارائه داد؟

به نظر می‌رسد بخشی از سبب آرا که مربوط به عامه مردم است خیلی در گفتمان انقلاب یا غیرانقلاب نمی‌گنجد و جریان انقلاب عملا این سبب را از دست داده است، چراکه جریان انقلاب بشدت به دنبال یک رای ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه است، در حالی که می‌توان آرمان‌گرایانه رای داد ولی جریان عامه مردم را هم با خود همراه کرد. این نکته اول است و من فکر می‌کنم جریان انقلاب عملا رای غیرایدئولوژیک را از دست داده است. یعنی عامه مردم که شاید خیلی بر اساس رویکردهای ارزشی یا غیرارزشی رای نمی‌دهند و برای آنها مساله روزمره مطرح است، به این جریان تمایل نشان ندارد. دلیل آن هم افزایش رویکردهای آرمان‌گرایانه غیرواقع‌بینانه در جریان انقلاب در سال‌های اخیر است. به نوعی با شخصیت‌های خاصی که به عنوان جریان انقلاب در سال‌های اخیر معرفی کردیم، عملا عقلانیت و واقع‌بینی را از جریان حزب‌اللهی گرفتیم. این شخصیت‌ها صرفا آرمان‌گرایانه به موضوع نگاه می‌کنند و آن هم آرمان‌گرایی انتزاعی که در اینجا عامه مردم از دست می‌روند. این نکته اول است. جریان انقلاب صرفا توانست بخشی از رای ایدئولوژیک خود را پای کار بیاورد که درباره آن رای ایدئولوژیک می‌توان تحلیل و بحث کرد.

در چند سال گذشته فرآیندی شروع شد که از قبل هم رده‌هایی از آن قابل مشاهده بود. رهبر انقلاب بارها بر عقلانیت سیاسی یا عقلانیت دینی تاکید داشته‌اند. در این تعریف، فرد هم آرمان‌گراست و هم واقع‌بین، یعنی واقع‌گرا نیست، بلکه واقع‌بین است.

اما در سال‌های گذشته و در اوج آن در اتفاقات انتخابات مجلس اخیر، رویکردهای ایدئولوژیک شعاری و غیرواقع‌بینانه آن هم با الگوی تخریب و با شعار عدالت بشدت بدنه رای ایدئولوژیک نظام را تراشید. یعنی ما به تمام مفاهیم عقلانی مثل مصلحت، وحدت و... لگد زدیم و همه را ذبح مفهومی به نام عدالت کردیم که مشخص نبود مراد از عدالت چیست. وقتی شما با رویکرد تخریبی تمام بازیگران سیاسی اطراف خود را تخریب کردی، طبیعتا شمار ایدئولوژیک شما هم غیرواقع‌بینانه می‌شود و در سبب تیزروهای انقلاب یک طیفی می‌ماند که بشدت با ظاهرا عدالت‌خواهاند و رویکردهای خیلی انقلابی دارند. طیف خاصی اینجا می‌ماند که متأسفانه در سال‌های گذشته هم از طریق رسانه‌های برخی از طیف‌های مختلف، هم از طریق برخی انشان‌رسانه‌های جریان حزب‌اللهی و هم از طریق حتی بخشی از رسانه ملی، ادبیات آنها پیمایش شد و عملا این رویکرد تخریبی و شبه‌عدالت‌خواهانه آمد و رای جریان حزب‌اللهی را تا جایی تراشید که به یک هسته سخت رسید که اوج آن همین ۱۳ میلیونی می‌شود که امروز می‌بینیم. طبیعی است با این رویکرد بخش عمده عامه مردم و جریان میانه را از دست می‌دهید و نماد عقلانیت شما تندروی و یک واقع‌گرایی غیرعقلانه می‌شود.

وقتی نماد تئورسین‌های انقلاب، اصطلاحا انقلابیون رادیکال هستند -این دوستان می‌توانند بخشی از جریان انقلاب باشند و منظور من حذف این آقایان نیست - تمام انقلاب خلاصه در این ایده شود و هر که در این ایده نباشد، ضدانقلاب و محافظه‌کار نامیده شود، طبیعی است وضعیت جریان انقلاب به اینجا می‌رسد و عقلانیت تدریجا خارج از کنش‌های سیاسی آقایان قرار می‌گیرد. ■ **گفته می‌شود مساله مشارکت رابطه معناداری با تکرر نامزدها دارد. در برخی دلیل عدم مشارکت را عدم رقابت**

انتخابات به پایان رسید و مردم ایران رئیس دولت چهاردهم را شناختند. روند انتخابات با تمام فراز و فرودهایش تا حد قابل قبولی به صحنه رقابت جریان‌های سیاسی تبدیل شد و توانست تا حدی قهر و کناره‌گیری مردم از امر سیاسی را ترمیم کند و وضع مشارکت را کمی بهبود بخشد اما بحث اینجاست که به انتخابات ۱۴۰۳ چگونه باید نگریست و این انتخابات چه بیم‌ها و امیدهایی را برای جریان انقلاب به همراه دارد؟ برای بررسی این موضوع سراغ حسین محمدی‌سیرت، عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع) رفتیم. تا در این باره او گفت‌وگو کنیم.

■ **تحلیل می‌کردند، شما از وضعیت انتخابات چیست؟ چه تحلیلی از سبب رای جریان‌های سیاسی می‌توان ارائه داد؟**

به نظر می‌رسد بخشی از سبب آرا که مربوط به عامه مردم است خیلی در گفتمان انقلاب یا غیرانقلاب نمی‌گنجد و جریان انقلاب عملا این سبب را از دست داده است، چراکه جریان انقلاب بشدت به دنبال یک رای ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه است، در حالی که می‌توان آرمان‌گرایانه رای داد ولی جریان عامه مردم را هم با خود همراه کرد. این نکته اول است و من فکر می‌کنم جریان انقلاب عملا رای غیرایدئولوژیک را از دست داده است. یعنی عامه مردم که شاید خیلی بر اساس رویکردهای ارزشی یا غیرارزشی رای نمی‌دهند و برای آنها مساله روزمره مطرح است، به این جریان تمایل نشان ندارد. دلیل آن هم افزایش رویکردهای آرمان‌گرایانه غیرواقع‌بینانه در جریان انقلاب در سال‌های اخیر است. به نوعی با شخصیت‌های خاصی که به عنوان جریان انقلاب در سال‌های اخیر معرفی کردیم، عملا عقلانیت و واقع‌بینی را از جریان حزب‌اللهی گرفتیم. این شخصیت‌ها صرفا آرمان‌گرایانه به موضوع نگاه می‌کنند و آن هم آرمان‌گرایی انتزاعی که در اینجا عامه مردم از دست می‌روند. این نکته اول است. جریان انقلاب صرفا توانست بخشی از رای ایدئولوژیک خود را پای کار بیاورد که درباره آن رای ایدئولوژیک می‌توان تحلیل و بحث کرد.

در چند سال گذشته فرآیندی شروع شد که از قبل هم رده‌هایی از آن قابل مشاهده بود. رهبر انقلاب بارها بر عقلانیت سیاسی یا عقلانیت دینی تاکید داشته‌اند. در این تعریف، فرد هم آرمان‌گراست و هم واقع‌بین، یعنی واقع‌گرا نیست، بلکه واقع‌بین است.

اما در سال‌های گذشته و در اوج آن در اتفاقات انتخابات مجلس اخیر، رویکردهای ایدئولوژیک شعاری و غیرواقع‌بینانه آن هم با الگوی تخریب و با شعار عدالت بشدت بدنه رای ایدئولوژیک نظام را تراشید. یعنی ما به تمام مفاهیم عقلانی مثل مصلحت، وحدت و... لگد زدیم و همه را ذبح مفهومی به نام عدالت کردیم که مشخص نبود مراد از عدالت چیست. وقتی شما با رویکرد تخریبی تمام بازیگران سیاسی اطراف خود را تخریب کردی، طبیعتا شمار ایدئولوژیک شما هم غیرواقع‌بینانه می‌شود و در سبب تیزروهای انقلاب یک طیفی می‌ماند که بشدت با ظاهرا عدالت‌خواهاند و رویکردهای خیلی انقلابی دارند. طیف خاصی اینجا می‌ماند که متأسفانه در سال‌های گذشته هم از طریق رسانه‌های برخی از طیف‌های مختلف، هم از طریق برخی انشان‌رسانه‌های جریان حزب‌اللهی و هم از طریق حتی بخشی از رسانه ملی، ادبیات آنها پیمایش شد و عملا این رویکرد تخریبی و شبه‌عدالت‌خواهانه آمد و رای جریان حزب‌اللهی را تا جایی تراشید که به یک هسته سخت رسید که اوج آن همین ۱۳ میلیونی می‌شود که امروز می‌بینیم. طبیعی است با این رویکرد بخش عمده عامه مردم و جریان میانه را از دست می‌دهید و نماد عقلانیت شما تندروی و یک واقع‌گرایی غیرعقلانه می‌شود.

وقتی نماد تئورسین‌های انقلاب، اصطلاحا انقلابیون رادیکال هستند -این دوستان می‌توانند بخشی از جریان انقلاب باشند و منظور من حذف این آقایان نیست - تمام انقلاب خلاصه در این ایده شود و هر که در این ایده نباشد، ضدانقلاب و محافظه‌کار نامیده شود، طبیعی است وضعیت جریان انقلاب به اینجا می‌رسد و عقلانیت تدریجا خارج از کنش‌های سیاسی آقایان قرار می‌گیرد. ■ **گفته می‌شود مساله مشارکت رابطه معناداری با تکرر نامزدها دارد. در برخی دلیل عدم مشارکت را عدم رقابت**

انتخابات به پایان رسید و مردم ایران رئیس دولت چهاردهم را شناختند. روند انتخابات با تمام فراز و فرودهایش تا حد قابل قبولی به صحنه رقابت جریان‌های سیاسی تبدیل شد و توانست تا حدی قهر و کناره‌گیری مردم از امر سیاسی را ترمیم کند و وضع مشارکت را کمی بهبود بخشد اما بحث اینجاست که به انتخابات ۱۴۰۳ چگونه باید نگریست و این انتخابات چه بیم‌ها و امیدهایی را برای جریان انقلاب به همراه دارد؟ برای بررسی این موضوع سراغ حسین محمدی‌سیرت، عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع) رفتیم. تا در این باره او گفت‌وگو کنیم.

■ **تحلیل می‌کردند، شما از وضعیت انتخابات چیست؟ چه تحلیلی از سبب رای جریان‌های سیاسی می‌توان ارائه داد؟**

به نظر می‌رسد بخشی از سبب آرا که مربوط به عامه مردم است خیلی در گفتمان انقلاب یا غیرانقلاب نمی‌گنجد و جریان انقلاب عملا این سبب را از دست داده است، چراکه جریان انقلاب بشدت به دنبال یک رای ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه است، در حالی که می‌توان آرمان‌گرایانه رای داد ولی جریان عامه مردم را هم با خود همراه کرد. این نکته اول است و من فکر می‌کنم جریان انقلاب عملا رای غیرایدئولوژیک را از دست داده است. یعنی عامه مردم که شاید خیلی بر اساس رویکردهای ارزشی یا غیرارزشی رای نمی‌دهند و برای آنها مساله روزمره مطرح است، به این جریان تمایل نشان ندارد. دلیل آن هم افزایش رویکردهای آرمان‌گرایانه غیرواقع‌بینانه در جریان انقلاب در سال‌های اخیر است. به نوعی با شخصیت‌های خاصی که به عنوان جریان انقلاب در سال‌های اخیر معرفی کردیم، عملا عقلانیت و واقع‌بینی را از جریان حزب‌اللهی گرفتیم. این شخصیت‌ها صرفا آرمان‌گرایانه به موضوع نگاه می‌کنند و آن هم آرمان‌گرایی انتزاعی که در اینجا عامه مردم از دست می‌روند. این نکته اول است. جریان انقلاب صرفا توانست بخشی از رای ایدئولوژیک خود را پای کار بیاورد که درباره آن رای ایدئولوژیک می‌توان تحلیل و بحث کرد.

در چند سال گذشته فرآیندی شروع شد که از قبل هم رده‌هایی از آن قابل مشاهده بود. رهبر انقلاب بارها بر عقلانیت سیاسی یا عقلانیت دینی تاکید داشته‌اند. در این تعریف، فرد هم آرمان‌گراست و هم واقع‌بین، یعنی واقع‌گرا نیست، بلکه واقع‌بین است.

اما در سال‌های گذشته و در اوج آن در اتفاقات انتخابات مجلس اخیر، رویکردهای ایدئولوژیک شعاری و غیرواقع‌بینانه آن هم با الگوی تخریب و با شعار عدالت بشدت بدنه رای ایدئولوژیک نظام را تراشید. یعنی ما به تمام مفاهیم عقلانی مثل مصلحت، وحدت و... لگد زدیم و همه را ذبح مفهومی به نام عدالت کردیم که مشخص نبود مراد از عدالت چیست

گفت‌وگو ی «وطن امروز» با حسین محمدی سیرت درباره رفتار جبهه انقلاب در انتخابات ریاست جمهوری

آفت جریان انقلاب، سیاست‌زدگی سطحی است



بلکه مدیریت کند. بالاخره تعصب‌های انسانی که در ادبیات دینی مورد نقد قرار گرفته، مورد سوءاستفاده یا استفاده جریان‌های سیاسی قرار گرفته است. این یک واقعیت انسانی است و نمی‌توان با آن کاری کرد. جامعه ایرانی است که باید تصمیم بگیرد چگونه رای می‌دهد. بر اساس عقلانیت رای می‌دهد یا تعصب‌های سنتی قومی یا مذهبی؟

از طرف دیگر به نظر من ما در سیاست‌های قومی و مذهبی با همه مسیری که در سال‌های گذشته رفته‌ایم، هنوز هم به تعادل نرسیده‌ایم. به نظر من در نگاه رهبر انقلاب ما نباید هویت‌های غیرکلان را حذف کنیم، بلکه سیاست عقلانی به دنبال تعادل هویتی است. یعنی مثلا تو یک مسلمان ایرانی ترک هستی، نه یک ترک مسلمان ایرانی. ما به دنبال حذف کردن هویت‌های زبانی و اقلیت‌های مذهبی نیستیم اما برخی سیاست‌ها در حوزه اقتصاد و امنیت، این تعادل هویتی را به هم زده است. وقتی شما نتوانید این تعادل هویتی را حفظ کنید یا افراط کنید و هویتی را حذف کنید، یا تفریط کنید و همه هویت‌ها را در برابر هویت ملی آزاد بگذارید، طبیعتا است که این سیاست‌گذاری نامتوازن، خود را در شب انتخابات نشان می‌دهد. نکته دیگر خودآگاهی هویتی است که نباید این هویت مورد سوءاستفاده جریان‌های سیاسی قرار گیرد که این بحثی است که نیاز به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اقتصادی و امنیتی جدی دارد. من فکر می‌کنم نکته‌ای که عرض کردم راه‌حل است. نه افراط به معنی حذف لایه‌های هویتی و نه تفریط به معنای عدم توازن لایه‌های هویتی. منطق ایجاب می‌کند که لایه‌های هویتی یک سرمایه هستند که باید متوازن و به صورت معقولی چیش داشته باشند که سیاست‌گذاری معقولی را می‌طلبد.

■ **در پایان اگر نکته‌ای باقی مانده بفرمایید.**

من به عنوان معلمی که خود را متعلق به جریان انقلاب می‌داند، نگرانی خودم از جریان انقلاب همین چیزی است که امروز می‌بینیم؛ یعنی سطحی‌شدگی، شعارزدگی، رسانه‌زدگی، سلبریتی‌زدگی و ...

نکته اول این است که این نسل هیچ مفاهمه‌ای با جمهوری اسلامی ندارد. وضعیت آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و وضعیت فضای مجازی و نسبت رسانه ملی با این نسل و بالعکس به این فضا دامن می‌زند. مصرف رسانه‌ای بالای این طیف را که اباچه‌گری بالایی را ترویج می‌کند نیز باید اضافه کرد. اتفاقات ۱۴۰۱ مجموعا این نسل را از وضعیت مسؤولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی فاصله داده و از طرف دیگر مخاطبه سیاسی این جریان با جمهوری اسلامی خیلی کم شده است. مثلا در دهه ۷۰ که جریان اصلاحات روی کار آمد، مخاطب اصلی آن، جوانان همین سن بود و نیازهای این سن را مورد توجه قرار داد. من فکر می‌کنم تا حد زیادی نیازها و علایق این سن در گفتمان سیاسی کشور کمرنگ شده است. در مناظرات هم می‌دیدم جنس خواسته‌ها بیشتر معطوف به عامه و میانه مردم بود تا نوجوانان و جوانان. این طیف کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سیاست‌گذاری حوزه فضای مجازی که زیست اصلی این نسل است هم قابل توجه است. از طرف دیگر یک واقعیت جهانی را باید در نظر داشت که ما با یک نوع شبه‌اباحه‌گری یا بی‌مسؤولیتی در طیفی از جوانان روبه‌رو هستیم که جامعه ما هم مستثنا از این نیست. می‌توان از این‌منظر مفضل بحث کرد که حالا در همین وضعیت چرا جامعه دانشجویی آمریکایی به موضوع فلسطین واکنشی نشان می‌دهد اما جامعه ایرانی و دانشجوی ایرانی کمتر به این موضوع واکنش نشان می‌دهد. وضعیت نظام آموزشی ما اینجا خیلی تعیین‌کننده است.

■ **با توجه به رای بالای پزشکیان در برخی شهرها به نظر می‌رسد شکاف قومیت‌ها و اهل سنت در انتخابات جدی بود، این امر را چطور تحلیل می‌کنید؟ این را باید بر اساس نابرابری‌ها تحلیل کرد، یا باید نگاه سطحی در رای‌دهی را مؤثر دانست؟**

باید یک نگاه واقع‌بینانه باید گفت تعصب‌های قومی و مذهبی در طول تاریخ وجود داشته است. اسلام هم تلاش کرده این تعصب‌های قومی و زبانی را حذف نکند،

جامعه ایرانی در کشاکش ۲ نظم جهانی

به انقلاب مهدوی می‌انجامد اما پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما، بر جهان حاکم بود. او انقلاب فرهنگی را در دانشگاه‌ها رقم زده بود اما ناگزیر از تکرار علوم انسانی و طبیعی غربی بود. او ولایت فقیه و نهادهای انتصابی آن را پذیرفته بود اما اکنون در مواجهه با فرآیند پیچیده و گسترده دموکراسی جهانی غربی قرار می‌گرفت. هر چه ابزارهای غربی را بیشتر می‌پذیرفت، ناگزیر باید از آرمان‌های اسلامی - ایرانی - شیعی انقلابی‌اش بیشتر دست برداشت. پذیرفتن روزافزون ابزارهای غربی، اگرچه کار دولت‌ها و رونق آنها را پیش می‌برد اما عناصر هویتی و تاریخی جامعه ایرانی - اسلامی - شیعی را بیشتر به حاشیه می‌برد.

۱۰- با ظهور دولت شهید رئیسی، آزمون و خطای نیروهای انقلابی برای طرح جهانی متناسب با انقلاب اسلامی یا به تعبیری ایجاد سازگاری میان آرمان‌های جهانی اسلامی - ایرانی - شیعی با ابزارهای جهانی غربی معاصر، پخته‌تر شد. در این دوره این درک تحقق یافت که ما درگیر این ۳ جهان متضادیم و باید راهی جدید بگشاییم. آن حضور مردمی متاثر از آرمان‌های اسلامی - ایرانی - شیعی دیگر منصرف به حوادث جهانی تشیع شهدای جنگ یا حاج‌قاسم نشد، بلکه این بار شهادت رئیسی، رئیس‌جمهور، این رویدادها را رقم زد. گویی فاصله میان ابزارهای جهانی غربی که اوج آنها در دولت تحقق می‌یابد با آرمان‌های اسلامی - ایرانی - شیعی، در شخص رئیس‌جمهور جهانی و زندگی انسان ایرانی در جهان دارد. روشن است چنین



■ **تخلی‌لی کلی** شما از وضعیت انتخابات چیست؟ چه تحلیلی از سبب رای جریان‌های سیاسی می‌توان ارائه داد؟

به نظر می‌رسد بخشی از سبب آرا که مربوط به عامه مردم است خیلی در گفتمان انقلاب یا غیرانقلاب نمی‌گنجد و جریان انقلاب عملا این سبب را از دست داده است، چراکه جریان انقلاب بشدت به دنبال یک رای ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه است، در حالی که می‌توان آرمان‌گرایانه رای داد ولی جریان عامه مردم را هم با خود همراه کرد. این نکته اول است و من فکر می‌کنم جریان انقلاب عملا رای غیرایدئولوژیک را از دست داده است. یعنی عامه مردم که شاید خیلی بر اساس رویکردهای ارزشی یا غیرارزشی رای نمی‌دهند و برای آنها مساله روزمره مطرح است، به این جریان تمایل نشان ندارد. دلیل آن هم افزایش رویکردهای آرمان‌گرایانه غیرواقع‌بینانه در جریان انقلاب در سال‌های اخیر است. به نوعی با شخصیت‌های خاصی که به عنوان جریان انقلاب در سال‌های اخیر معرفی کردیم، عملا عقلانیت و واقع‌بینی را از جریان حزب‌اللهی گرفتیم. این شخصیت‌ها صرفا آرمان‌گرایانه به موضوع نگاه می‌کنند و آن هم آرمان‌گرایی انتزاعی که در اینجا عامه مردم از دست می‌روند. این نکته اول است. جریان انقلاب صرفا توانست بخشی از رای ایدئولوژیک خود را پای کار بیاورد که درباره آن رای ایدئولوژیک می‌توان تحلیل و بحث کرد.

در چند سال گذشته فرآیندی شروع شد که از قبل هم رده‌هایی از آن قابل مشاهده بود. رهبر انقلاب بارها بر عقلانیت سیاسی یا عقلانیت دینی تاکید داشته‌اند. در این تعریف، فرد هم آرمان‌گراست و هم واقع‌بین، یعنی واقع‌گرا نیست، بلکه واقع‌بین است.

اما در سال‌های گذشته و در اوج آن در اتفاقات انتخابات مجلس اخیر، رویکردهای ایدئولوژیک شعاری و غیرواقع‌بینانه آن هم با الگوی تخریب و با شعار عدالت بشدت بدنه رای ایدئولوژیک نظام را تراشید. یعنی ما به تمام مفاهیم عقلانی مثل مصلحت، وحدت و... لگد زدیم و همه را ذبح مفهومی به نام عدالت کردیم که مشخص نبود مراد از عدالت چیست

انتخابات به پایان رسید و مردم ایران رئیس دولت چهاردهم را شناختند. روند انتخابات با تمام فراز و فرودهایش تا حد قابل قبولی به صحنه رقابت جریان‌های سیاسی تبدیل شد و توانست تا حدی قهر و کناره‌گیری مردم از امر سیاسی را ترمیم کند و وضع مشارکت را کمی بهبود بخشد اما بحث اینجاست که به انتخابات ۱۴۰۳ چگونه باید نگریست و این انتخابات چه بیم‌ها و امیدهایی را برای جریان انقلاب به همراه دارد؟ برای بررسی این موضوع سراغ حسین محمدی‌سیرت، عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع) رفتیم. تا در این باره او گفت‌وگو کنیم.

■ **تحلیل می‌کردند، شما از وضعیت انتخابات چیست؟ چه تحلیلی از سبب رای جریان‌های سیاسی می‌توان ارائه داد؟**

به نظر می‌رسد بخشی از سبب آرا که مربوط به عامه مردم است خیلی در گفتمان انقلاب یا غیرانقلاب نمی‌گنجد و جریان انقلاب عملا این سبب را از دست داده است، چراکه جریان انقلاب بشدت به دنبال یک رای ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه است، در حالی که می‌توان آرمان‌گرایانه رای داد ولی جریان عامه مردم را هم با خود همراه کرد. این نکته اول است و من فکر می‌کنم جریان انقلاب عملا رای غیرایدئولوژیک را از دست داده است. یعنی عامه مردم که شاید خیلی بر اساس رویکردهای ارزشی یا غیرارزشی رای نمی‌دهند و برای آنها مساله روزمره مطرح است، به این جریان تمایل نشان ندارد. دلیل آن هم افزایش رویکردهای آرمان‌گرایانه غیرواقع‌بینانه در جریان انقلاب در سال‌های اخیر است. به نوعی با شخصیت‌های خاصی که به عنوان جریان انقلاب در سال‌های اخیر معرفی کردیم، عملا عقلانیت و واقع‌بینی را از جریان حزب‌اللهی گرفتیم. این شخصیت‌ها صرفا آرمان‌گرایانه به موضوع نگاه می‌کنند و آن هم آرمان‌گرایی انتزاعی که در اینجا عامه مردم از دست می‌روند. این نکته اول است. جریان انقلاب صرفا توانست بخشی از رای ایدئولوژیک خود را پای کار بیاورد که درباره آن رای ایدئولوژیک می‌توان تحلیل و بحث کرد.

در چند سال گذشته فرآیندی شروع شد که از قبل هم رده‌هایی از آن قابل مشاهده بود. رهبر انقلاب بارها بر عقلانیت سیاسی یا عقلانیت دینی تاکید داشته‌اند. در این تعریف، فرد هم آرمان‌گراست و هم واقع‌بین، یعنی واقع‌گرا نیست، بلکه واقع‌بین است.

انتخابات به پایان رسید و مردم ایران رئیس دولت چهاردهم را شناختند. روند انتخابات با تمام فراز و فرودهایش تا حد قابل قبولی به صحنه رقابت جریان‌های سیاسی تبدیل شد و توانست تا حدی قهر و کناره‌گیری مردم از امر سیاسی را ترمیم کند و وضع مشارکت را کمی بهبود بخشد اما بحث اینجاست که به انتخابات ۱۴۰۳ چگونه باید نگریست و این انتخابات چه بیم‌ها و امیدهایی را برای جریان انقلاب به همراه دارد؟ برای بررسی این موضوع سراغ حسین محمدی‌سیرت، عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع) رفتیم. تا در این باره او گفت‌وگو کنیم.

■ **تحلیل می‌کردند، شما از وضعیت انتخابات چیست؟ چه تحلیلی از سبب رای جریان‌های سیاسی می‌توان ارائه داد؟**